

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله آداب اسلام ۲۰

آداب خواستگاری

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين، والعاقبة للمتقين،
ولا عدوان الا على الظالمين، والصلاة والسلام
على محمد الذي ارسله ربه رحمه للعالمين
على آله و صحبه اجمعين.

از قدیم الایام عادت بر این بوده که پیش از ازدواج از طرف خانواده پسر به خواستگاری دختر خانواده‌ای دیگر می‌رفته‌اند و این فرهنگ مورد تأیید شریعت اسلام قرار گرفته است و خطبه یا خواستگاری اظهار رغبت و علاقه به ازدواج با زنی معین و اعلان آن به والدین یا ولی و سرپرست اوست. حکمت خواستگاری آشنایی متقابل پسر و دختر از افکار و اخلاق و گرایش‌ها و نگاه طرف مقابل به آینده است و چنانچه طرفین توافق نمایند، مرحله خواستگاری انجام گرفته است.

اسلام با نظام جاودانه و اصول آسان و استوارش، یکسری قوانین، دستورات و اصول عملی را وضع کرده تا خواستگار در مورد دختر مورد نظرش رعایت نماید. اگر جوانان این اصول و قوانین را در نظر داشته باشند و براساس آن شریک آینده خویش را انتخاب نمایند، خود و همسرانشان خوشبخت و بین آنان محبت و صمیمیت حکمفرما خواهد شد و همگی در سایه ازدواجی سعادتمند و همدلی کامل و تفاهم دوجانبه زندگی خواهند کرد.

خواستگاری چیست؟ و اصول آن کدام است؟

خواستگاری آن است که قبل از انجام مراسم عقدکنان، مردی که تصمیم به ازدواج گرفته، ابتدا دختری را که برای این منظور انتخاب نموده مورد تحقیق و بررسی قرار دهد و یا یکی از اقربا و نزدیکان خود را می‌فرستد تا با او صحبت و گفت‌وگو نماید و خواسته‌ها و شرایط آنان را برای ازدواج بپرسد و آنگاه تصمیم بگیرد که این وصلت را قبول کند یا آن را نپذیرد. هدف از این مقدمات قبل از ازدواج این است که ازدواج از همان اول بر پایه‌ی بصیرت و شناخت صورت گیرد و باعث رفع مشکلات و تنازعات آن شود که احتمال دارد در زندگی زناشویی آینده آنها پیش آید، و از طرفی این عمل موجب استحکام روابط بین خانواده و خویشان و اولاد آنان می‌شود.

۱- دیدن خواستگار دختر مورد نظرش را

شریعت اسلام به خواستگار اجازه داده که وقتی تصمیم به ازدواج با زنی را می‌گیرد قبل از عقد، او را ببیند و [از اوصاف ظاهری و باطنی او باخبر شود]، همچنانکه به زن هم اجازه داده شده تا قبل از اجرای عقد زناشویی همسر آینده‌اش را ببیند. چرا که انتخاب از روی آگاهی و شناخت، زندگی زناشویی را گوارتر، سعادتمندتر و بادوام‌تر خواهد نمود. دلیلی که این عمل را جایز دانسته، حدیثی است که «ترمذی»، «نسائی»، «ابن‌ماجه» و «بخاری» روایت کرده‌اند که مغیره‌بن شعبه نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد تا به ایشان خبر بدهد که یک زن را خواستگار

نموده است، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «او را ببین که برای ادامه زندگی شما، این عمل بهتر و شایسته‌تر است».

یعنی انس و الفت و معاشرت میان شما دو نفر بدین شیوه گرم‌تر و شیرین‌تر خواهد شد [زیرا که چشم، پیک قلب و پیام‌آور عاطفه است و بعضی اوقات برخورد دو چشم با هم باعث ایجاد الفت بین دو خانواده می‌شود. «مسلم» و «نسائی» روایت کرده‌اند که مردی نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم شرفیاب شده و خبر داد که با زنی از انصار ازدواج نموده است. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «آیا او را دیده‌ای؟ گفت: نه. حضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: «برو او را ببین، چون چشمهای انصار معیوب (یا کوچک) هستند».

اما نگاه کردن به مخطوبه (زنی است که از او درخواست ازدواج شده) آدابی دارد که باید رعایت شود:

اولاً: خواستگار باید عزم جدی و صادقانه بر ازدواج گرفته باشد و قصدش از نگاه کردن فقط تصمیم بر ازدواج باشد و در غیر این صورت (نگاه کردن به قصد لذت بردن) جایز نیست. چرا که از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده که فرمودند: «اگر خداوند در دل شخصی تمایل به خواستگاری زنی را پدید آورد، اشکالی ندارد که او را ببیند و نگاهش کند».

ثانیاً: موضع و حدودی که مباح است به هنگام خواستگاری نگاه شود، صورت و دو دست مخطوبه می‌باشد. چون مظهر محاسن و زیباییهای ظاهری زن در

صورت متجلی شده و کفین هم در حالت عادی، ظاهر هستند لذا خواستگار مجاز نیست جز دست و صورت مخطوبه‌اش، اعضای دیگرش را نگاه کند.

آنچه مؤید این قول است که مراد از نگاه کردن، نگاه کردن به صورت است. این فرمایش حضرت رسول خدا صلی الله علیه وسلم به مردی از انصار است که فرمودند: «برو او را نگاه کن چون در چشمان انصار مختصر عیوبی است که بعد از نگاه کردن برایتان معلوم می‌شود.» این جمله برای ما مشخص می‌کند منظور از نگاه کردن، صورت می‌باشد.

دلیل دیگری که این نظر را تقویت می‌کند، سخن رسول خدا صلی الله علیه وسلم به ام‌سلیم است، وقتی که او را پیش زنی فرستاد به ام‌سلیم سفارش کرد: «به ساق پاهایش نگاه کن و دهان و گردن و زیربغل او را بو کن» پس اگر نگاه دیگر اعضاء زن جائز می‌بود، خود رسول خدا صلی الله علیه وسلم این کار را انجام می‌داد در حالی که آن حضرت ام‌سلیم را فرستاد تا اعضای دیگرش را ببیند.

ثالثاً: در صورت نیاز و ضرورت جایز است خواستگار چندین بار مخطوبه‌اش را نگاه کند تا شکل و قیافه‌اش بطور کامل در ذهنش مجسم شود. دلیل ما برای جواز تکرار نگاه، لفظ «انظر الیها» یعنی «نگاهش کن» می‌باشد که در حدیث به طور امر مطلق بیان شده و هیچ قیدی آن را مقید و محدود و منحصر نکرده و پیامبر صلی الله علیه وسلم نفرموده یکبار یا دوبار نگاهش کن، بلکه فرموده نگاهش کن.

رابعاً: جایز نیست، خواستگار با نامزدش مصافحه کند و با هم دست دهند، زیرا هنوز عقد شرعی، منعقد نشده و پسر و دختر نسبت به هم نامحرم هستند و شریعت اسلام دست دادن مرد بیگانه با زن‌ها را تحریم نموده است. «بخاری» از عایشه رضی الله عنها روایت کرده که فرمودند: «پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگام بیعت گرفتن از زنان، دست هیچ زنی را لمس نکرد و بیعتشان با خانم‌ها فقط کلامی بود»

خامساً: جایز نیست که خواستگار و نامزدش در فاصله خواستگاری تا اجرای صیغه عقد، در یک مکان تنها با هم، خلوت کنند مگر اینکه همراهشان یکی از محارم خانواده دختر باشند. زیرا خلوت کردن با زن بیگانه و تنها بودن با او در یک مکان، از نظر اسلام حرام است.

«بخاری و مسلم» از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت کرده‌اند که ایشان می‌فرمایند: «کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، به هیچ‌وجه نباید با زنی که محرمش نیست خلوت کند چون در چنین حالی شیطان سومین نفر آنان است و زن نیز بدون محرم حق سفر کردن، ندارد مگر اینکه محرمی همراهش باشد.»

سادساً: مردی که تصمیم ازدواج با زنی را دارد، می‌تواند بدون اطلاع آن زن و خانواده‌اش او را ببیند [یعنی اجازه موافقت زن برای دیدن لازم نیست].

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «هرگاه شخصی اراده خواستگاری از زنی نمود، می‌تواند او را

ببیند و نگاهش کند، گرچه آن زن اطلاعی نداشته باشد. [جابر بن عبدالله در مورد زنش می‌گوید: در پشت دیوار خود را پنهان می‌کردم تا او را ببینم].

خواننده‌ی محترم! آنچه ملاحظه نمودید، آدابی بود که اسلام عزیز برای کسی که اراده‌ی خواستگاری دارد وضع کرده است، کسی که از این حدود تجاوز کند و شیوه و رسمی خلاف آن را در پیش بگیرد، حد و مرز شریعت را رعایت نکند، با این اعمالش با شریعت مخالفت ورزیده و بدین سبب مرتکب گناه و عصیان شده است!!

اما آنچه که در بین مردم و جامعه کنونی ما رسم است، افراط و تفریط در رابطه با این موضوع است که اکثر مردم در خواستگاری به دو شیوه متناقض برخورد می‌کنند. ۱- دسته‌ای از مردم که به آداب و دستورات اسلامی مقید نمی‌باشند، به دخترشان اجازه می‌دهند که بدون محرم، هر جا که می‌خواهد با نامزدش بگردد و هر کاری که دوست دارد آزادانه انجام دهند، به این بهانه که قصد آنان از این کار آشنایی با اخلاق، رفتار و طبیعت و اطلاع از فهم و شعور همدیگر است.

واضح است که این ادعایشان، ادعایی بی‌اصل و اساس و باطل است که اسلام به هیچ وجه آنرا نمی‌پذیرد بلکه بدون هیچ اغماضی آن را حرام می‌داند و با آن مبارزه می‌کند. چرا که این عمل با مبادی اصول اخلاق و ارزشها منافات دارد و حیثیت و آبروی زن مسلمان و نظام اسلامی را خدشه‌دار می‌کند.

بر انسانهای عاقل و صاحب بصیرت، روشن است که اینگونه اختلاطهای نامشروع بین دختر و پسر در اکثر اوقات، منجر به فجایع اخلاقی و ارتباطات نامشروع می‌شود، که پیامدهای بد و ناگواری خواهد داشت. البته که ضرر این کار بیشتر متوجه دختر می‌شود تا پسر و آبروی دختر را لکه‌دار می‌کند. زیرا اگر پس از این ارتباطات، از ازدواج با دختر منصرف شود، می‌تواند با بهانه‌هایی از قبیل عدم تفاهم و عدم تجانس اخلاقی، انصراف خود را توجیه کند و قطعاً این کارش عامل شبهه‌انگیز و سبب بدنام شدن دختر خواهد شد و حیثیت دختر بر سر زبانها می‌افتد. و نهایتاً به کسادى بازارش می‌انجامد و باعث ترشیده شدنش می‌شود.

همچنین بر صاحبان خرد و اندیشه، پوشیده نیست، اهداف این اختلاط غیر اخلاقی که شناخت روحیات طرف مقابل است، تحقق نمی‌یابد. زیرا هر یک در مقابل دیگری خود را به تکلف انداخته و شخصیتی مصنوعی و غیرواقعی - آن هم شبیه دلقک و حقه‌بازان - از خود نشان می‌دهد. و چه بسا از این نوع خواستگاری‌های غیر اخلاقی سراغ داریم که نه تنها منجر به ایجاد زندگی زناشویی توأم با الفت و محبت، نگشته بلکه بعد از این همه آمیزش گناه‌آلود، سرانجامی جز طلاق و جدایی نداشته است. پس چه شد نتیجه‌ی شناختی که ادعا داشتند در دوره نامزدی حاصل شده!! اما با کمال تأسف معاندان این حقیقت را نمی‌پذیرند.

۲- در مقابل این گروه بی‌مبالات، دسته‌ای دیگر از مردم هستند که آداب اسلامی را نادیده می‌گیرند، این گروه

[مقدّس نماهای متحرّج] و متعصّبان افراطی هستند که با پشت پازدن به سنت رسول خدا صلی الله علیه وسلم در این مورد، نه تنها قبل از عقد به خواستگار دخترشان اجازه رؤیت نامزدش را نمی‌دهند، بلکه اعلان می‌دارند که دامادشان تا شب زفاف، اجازه ندارد دخترشان را ببیند.

بر انسانهای فهیم و دانا روشن است که اتخاذ این موقف، و مقید بودن به این آداب تناسبی با شریعت اسلام ندارد و اغلب اوقات زن و شوهر به آرامش نفسی و خوشبختی و سعادت نمی‌رسند، و چه بسا این عمل منجر به خانه‌نشین شدن و کسادى ازدواج دختر می‌شود و دختر آن قدر در کنج خانه می‌نشیند که دوشیزه‌ای سالخورده و پیردختری می‌شود که از ازدواج باز می‌ماند.

پس بر خواستگاران و اولیاء دختران لازم و ضروری است که در موقع خواستگاری و آستانه ازدواج به حدود الهی پایبند باشد اگر خواهان حفظ کرامت و ارزش زن هستند و می‌خواهند خانواده‌ی سالم و اجتماع از نظر اخلاقی محفوظ بماند «پس اینها حدود الهی است، از آنها تجاوز نکنید. و هر کس از حدود و مرزهای الهی تجاوز کند، بی‌گمان این چنین کسانی ستمگرند».

۲- خواستگاری بر خواستگاری

چنانچه مردی متدین و متخلّق به اخلاق اسلامی زنی را خواستگاری نماید و جواب مثبت بگیرد و الفت و ارتباط اسلامی بین آنها ایجاد شود، برای شخصی دیگر جایز نیست که به خواستگاری آن زن برود. [چون برای فرد اول

یک حق شرعی به وجود آمده است، که به منظور حفظ محبت و علاقه اسلامی بین مردم باید رعایت گردد تا مسلمان از کاری که خلاف مروت و مردانگی است و به دزدی شباهت دارد، به دور باشد.

اما وقتی خواستگار اول از ازدواج با آن زن منصرف شود و یا اجازه دهد فرد دومی، خواستگاری نماید، در این حالت خواستگاری جایز و بلا اشکال است.

پیامبر صلی الله علیه وسلم در این مورد ارشاد می فرمایند: «کسی نباید بر خواستگاری برادر دینی اش، خواستگاری کند مگر نفر اول از خواستگاری صرف نظر کند و یا به فرد دومی اجازه این کار را بدهد.» [بخاری]

بر انسانهای اهل بصیرت معلوم و مشخص است که چنین خواستگاریهایی باعث رشد و نمو تخم کینه و عداوت بین مردم می شود، و نتیجه ی این بدخواهی ها و کینه توزیها، نابود شدن کیان امت اسلامی و تشتت و تفرق جماعت مسلمین خواهد بود. و این طریقی است برای گرم شدن بازار سخن چینی بین ساکنین یک آب و خاک ...

البته در این موضوع باید اشاره کنیم که خواستگاری بر خواستگاری فرد فاسق جایز می باشد و از نظر ابن قاسم شاگرد امام مالک و ابن عربی مالکی اشکالی ندارد.

بدون تردید نظر مذکور که مذهب مالکی بر آن است، با نصوص شریعت اسلامی سازگارتر است زیرا شریعت به والدین دختر سفارش کرده که در انتخاب داماد آینده شان ملاک اخلاق و دیانت را مدنظر داشته باشند و این بر

اساس قاعده ی مشهور اصولی است که: «دفع نمودن مفاسد مقدم بر جلب منافع است» و نیز به مصالحی که اسلام برای ازدواج منظور داشته، همسویی کامل دارد!!

[مسلماً پدر و مادران متدین به خواستگاری جوان فاسق و بی بندوبار، جواب مثبت نخواهند داد].

آیا کسی راضی می شود که دخترش را به مردی فاسق و فاجر تسلیم کند، آن وقت آیا برای دین ارزش و اعتباری خواهد ماند؟ و آیا حریم اخلاق اسلامی رعایت خواهد شد؟!]

۳- خواستگاری از زنی که در حالت عدّه است

برای شخص مسلمان، حلال نیست که زن مطلقه و یا زنی که شوهرش فوت نموده است را تا وقت سپری شدن مدت عدّه اش به تصریح خواستگاری نماید [چون مدت عدّه حریم و جزو متعلقان ازدواج قبلی است و جایز نیست به این حریم تجاوز شود] ولی خواستگار می تواند از طریق کنایه و اشاره (نه به صراحت) به زنی که شوهرش فوت نموده و هنوز در عدّه می باشد، بفهماند که مایل است بعد از انقضای عدّه با او ازدواج کند. مثلاً کسی را نزدش بفرستند که از طرفش بگوید: «هرگاه عدّه ات سپری شد، کسی را به سوی من بفرست و من را خبردار کن».

{ منظور از خواستگاری به تصریح اینست که مرد از زن به صراحت درخواست ازدواج کند، این درخواست از زنی که در حال عدّه بسر می برد، جایز نیست. مقابل این خواستگاری به تعریض است و آن به این معنی است که

مرد به کنایه از زن در حال عدّه خواستگاری می کند، مثلاً بگوید چه بسیار افرادی که تمایل ازدواج با تو را دارند، اینگونه خواستگاری اشکالی ندارد {

دلیل ما در این باره، آیه قرآنی است که می فرماید: «و بر شما گناهی نیست که از زنانی (که شوهرانشان فوت کرده اند و در عدّه بسر می برند) به طور کنایه خواستگاری کنید، و یا در دل خود تصمیم بر این کار بگیرید (بدون آنکه اظهار نمایند) خداوند می دانست شما آنان را یاد خواهید کرد ولی به آنان پنهانی وعده ازدواج ندهید.» [بقره: ۲۳۵]

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله
وصحبه أجمعین.
وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.